

قرارداد» زندگی مشترک اخلاقی منوط به رعایت مفاد ازدواج

Photo: Syda_Productions/depositphotos.com

مصطفی ملکیان گفت: ازدواج یک قرارداد است. در قرارداد چه زمانی به طرف مقابل وفادار هستید و چه زمانی بی وفا هستید؟ عقل سالم می گوید به هر آنچه که در قرارداد آمده وفادار باشم، به طرف مقابل قرارداد نیز وفادار هستم. تا زمانی که مفاد قرارداد همسری را رعایت می کنم و التزام نظری و عملی دارم، بایستی خودم را به همسر وفادار بدانم.

به گزارش ایسنا، این اندیشمند حوزه اخلاق در کارگاه درس گفتارهای اخلاق کاربردی که در محل پژوهشکده تعلیم و تربیت عباسزادگان برگزار شد، بیان کرد: آیا اساسا تشکیل خانواده، کاری اخلاقی است یا خیر؟ برخی از فیلسوفان اخلاق، ادله ای ارائه کرده اند که اساسا نهاد خانواده نهادی غیراخلاقی است و تشکیل خانواده به لحاظ اخلاقی امری صحیح نیست.

وی تصریح کرد: از حیث دیگر، فیلسوفان اخلاق به خانواده پرداخته اند و اینکه اصل نهاد خانواده را اخلاقی و صور و اشکال خاصی از آن را غیر اخلاقی دانسته اند. مثلا تک همسری مرد و تک همسری زن غیراخلاقی است. برخی گفته اند چند همسری زن و تک همسری مرد غیراخلاقی است. برخی گفته اند چند همسری مرد و تک همسری زن غیراخلاقی است.

این اندیشمند حوزه اخلاق ادامه داد: برخی گفته اند که ازدواج موقت غیراخلاقی است و ازدواج دائم اخلاقی است. این صاحب نظران خود ازدواج را غیر اخلاقی نمی دانند بلکه برخی صور آن را غیراخلاقی دانسته اند.

ملکیان عنوان کرد: با در نظر گرفتن اخلاقی بودن ازدواج و ازدواج دائم، بایستی به این مسئله پرداخت که نحوه رفتار همسری چگونه باشد و اعضا با یکدیگر چه ارتباطاتی داشته باشند که بگوییم روابط آنها در کانون خانواده اخلاقی است.

وی اضافه کرد: اخلاق خانواده به چهار بخش قابل تقسیم است؛ ابتدا رابطه همسران با یکدیگر چگونه باشد. بحث دوم رابطه زن و شوهر با فرزندان خود چگونه باشد که به عنوان اخلاق فرزندپروری از آن یاد می شود. مورد دیگر چگونگی رابطه فرزندان با والدین است که بتوان این ارتباطات را اخلاقی دانست. تا اینجا تنها با خانواده هسته ای روبه رو هستیم. خانواده هسته ای در حقیقت خانواده ای است که تنها والدین و فرزندان در آن حضور دارند.

این اندیشمند حوزه اخلاق اظهار کرد: اما با یک خانواده بزرگ نیز رو به رو هستیم که پدر بزرگ و مادر بزرگ، نوه ها، عمه ها و عموها نیز در آن حضور دارند. در این خصوص بایستی بدانیم که روابط خویشاوندی چگونه باشد تا آن را اخلاقی بدانیم.

اقسام وفاداری

وی اضافه کرد: شکی نیست که اخلاق همسرانگی که مطرح می شود، نخستین مسئله مطروحه بحث وفاداری همسران به یکدیگر است. وفاداری به طور کلی بر سه قسم است؛ یک وفاداری مطلق است که در آن اختیاری وجود ندارد. وفاداری است که بدون اراده و اختیار انتخاب کرده ام. این نوع وفاداری تنها یک مصداق دارد و آن هم وفاداری فرزندان به والدین است.

ملکیان تصریح کرد: در این وفاداری بدون اراده انتظار داریم که فرزند همچنان وفادار باشد. قسم دیگر وفاداری نیمه ارادی و نیمه اختیاری است. تا حدودی اراده و اختیار در این وفاداری وجود دارد و مصداق آن وفاداری والدین به فرزندان خود است. علت نیمه ارادی بودن این است که والدین در اصل فرزنددار شدن اراده داشته اند و خود این تصمیم را اتخاذ کرده اند. والدین در ایجاد فرزند اراده داشته اند اما در ایجاد این فرزند با ویژگی های خصیصه های منحصر به فرد اراده ای نداشته اند بنابراین وفاداری آنان به فرزندشان نیمه ارادی و نیمه اختیاری است.

وی افزود: قسم دیگر وفاداری هایی که در زندگی اجتماعی وجود دارد، وفاداری های کاملا اختیاری است. مثلا وفاداری فردی به شریکش در کار تجاری کاملا ارادی و اختیاری است. مثالی دیگر وفاداری در رابطه دوستی است چرا که دوستان خود را با اراده خودم انتخاب کرده ام. در این نوع قراردادها از فرد انتظار می رود که وفاداری داشته باشند چرا که خود فرد قرارداد را انتخاب کرده است.

این اندیشمند حوزه اخلاق اظهار کرد: همان‌طور که انتظار می‌رود، فرد به دوست خود وفادار باشد، چون شریک زندگی فرد توسط خود فرد انتخاب شده نیز بایستی نسبت به او وفادار باشد و نوع وفاداری نیز کاملاً ارادی است چرا که خودشان ایجاد ارتباط همسری را انتخاب کرده‌اند.

وی اضافه کرد: اما در وفاداری‌های قراردادی، بایستی به چه چیزی وفادار باشیم؟ ازدواج یک قرارداد است. در قرارداد چه زمانی به طرف مقابل وفادار هستید و چه زمانی بی‌وفا هستید؟ عقل سالم می‌گوید به هر آنچه که در قرارداد آمده وفادار باشم، به طرف مقابل قرارداد نیز وفادار هستم. تا زمانی که مفاد قرارداد همسری را رعایت می‌کنم و التزام نظری و عملی به آن دارم، بایستی خودم را به همسرم وفادار بدانم.

ملکیان خاطر نشان کرد: تا وقتی به مفاد قرارداد عمل کنم به همسرم وفادارم هستم. اما در قرارداد ازدواج، مفاد قرارداد چیست؟ در قرارداد تجاری مفاد مشخص است اما در ازدواج چه مفادی وجود دارد که التزام به آن وفاداری محسوب می‌شود؟ بزرگترین مشکل ازدواج از نظر اخلاق آن است که مفاد آن واضح نیست و مشخص نیست که همسران بایستی به چه چیزی پایبند باشند.

وی ادامه داد: من مواد قرارداد ازدواج را که میان صاحب‌نظران مطرح است، برمی‌شمارم. برخی بیان کرده‌اند همسران با یکدیگر قرارداد می‌بندند که بایستی عاشق یکدیگر باشند و بمانند. برخی می‌گویند که قرارداد ازدواج تنها شامل همین یک ماده است. کسانی ماده اصلی را آمیزش جنسی دوطرفه می‌دانند و آمیزش جنسی همسران تنها بایستی با یکدیگر صورت بگیرد. بنابراین قرارداد من با همسرم بر این است که آمیزش جنسی من تنها منحصر به او باشد و همسرم نیز چنین کند. کسان دیگری نیز می‌گویند ماده سوم نیز وجود دارد و آن یاری یکدیگر در ادامه مسیر زندگی است. طبق گفته آنان، قرارداد زن و شوهر بر آن است که به یکدیگر کمک و خدمت کنند.

ملکیان گفت: عده دیگر گفته‌اند که مفاد ازدواج بر آن است که منافع ازدواج میان همسران تقسیم شود. هر منفعت به دست آمده بایستی به مساوات میان همسران تقسیم گردد. عده دیگری فرزندآوری را مفاد قرارداد ازدواج دانسته‌اند. چون زن و مرد بدون یکدیگر نمی‌توانند فرزند به دنیا آورند، در نتیجه برای فرزندآوری کنار یکدیگر آمده‌اند و ازدواج کرده‌اند.

لزوم شفافیت مفاد قرارداد ازدواج

وی افزود: حال پرسشی که مطرح است آیا تمامی این مفاد در قرارداد ازدواج حضور دارند؟ پرسشی که همچنان در نظر فیلسوفان اخلاقی مبهم است و بسیاری از افراد چون مفاد قرارداد ازدواج مبهم است، نمی‌دانند که اخلاقی رفتار کرده‌اند یا نه؟

این اندیشمند حوزه اخلاق اظهار کرد: فیلسوفان اخلاقی بیان می‌کنند که خود زن و شوهر بایستی از مفاد بالا، مواد قرارداد خود را برگزینند و به آن وفادار باشند. بسیاری از اختلافات ریشه در آن دارد که طرفین حس می‌کنند همسرشان به آنان وفادار نیست و خودشان وفاداراند. در هیچ آئین و دینی مفاد قرارداد ازدواج تعیین نگردیده است.

وی ادامه داد: اگر این مسئله روشن گردد و طرفین بدانند مفاد قرارداد ازدواج آنان چیست تا به آن وفادار باشند، آن‌گاه فلسفه اخلاق به سادگی می‌تواند رفتار اخلاقی و وفاداری را تعیین کند. برای مثال ممکن است زن یا مردی باشد که معتقد به این مسئله باشد که زن یا شوهر من اگر با مرد یا زنی دیگر دست بدهد، خلاف قرارداد عمل کرده است. طرف مقابل می‌گوید که من چه زمانی ملزم به رعایت این قرارداد شدم که به مرد یا زنی دست ندهم؟

ملکیان عنوان کرد: مردان و زنانی که قصد ازدواج دارند، به سبب ویژگی‌های شخصیتی، با دلیل‌های متفاوتی با یکدیگر ازدواج می‌کنند. یکی در ازدواج فقط فرزند را در نظر می‌گیرد، یکی تنها ارضای نیاز جنسی را مد نظر دارد. بنابراین نمی‌توان گفت که انسان‌ها تمام علت‌های ازدواج را در خود داشته باشند اما بایستی از ابتدا به طور واضح بیان کنند که به چه دلیل تن به ازدواج داده‌اند.

وی افزود: اما بایستی توجه کرد که قرارداد ازدواج، قراردادی کتبی نیست. گاهی اوقات قرارداد ازدواج به صورت ذهنی یا شفاهی نیز ممکن است باشد. چون ازدواج وفاداری‌های ارادی را می‌طلبد پس بایستی قرارداد ازدواج مد نظر باشد. ازدواج نیازمند وفاداری است و وفاداری هم نیازمند قرارداد است.

این اندیشمند حوزه اخلاق مطرح کرد: اگر همسر من به مفاد قرارداد عمل می‌کند اما خلاف روحیات من عمل می‌کند، تا زمانی که به مفاد قرارداد عمل می‌کند به من وفادار است ولو این‌که خلاف روحیات من عمل کند و من در این خصوص توانایی اعتراض ندارم. اگر توقع مسئله بیشتر از قرارداد دارید، بایستی در ابتدا آن را بیان کرد. تا زمانی که همسر به مفاد قرارداد عمل می‌کند، بایستی سایر اعمال را به حال خود رها کرد.

وی اضافه کرد: شرط دوم ازدواج اخلاقی این است که طرفین بایستی به حریم خصوصی یکدیگر احترام بگذارند. تا زمانی که طرف مقابل به مفاد قرارداد عمل می‌کند، حق نظارت بر او را نداریم. حریم خصوصی به این معناست که وقتی مسئله‌ای جز مفاد قرارداد نیست، نه حق نظارت، نه حق دخالت و نه حق مخالفت نداریم.

ملکیان بیان کرد: همسران می‌توانند نسبت به یکدیگر یک کار را انجام دهند و آن هم این که اگر مسئله‌ای در شریک خود را نمی‌پسندند می‌توانند با استفاده از نیروهای باوراننده به طرف مقابل بگویند که بایستی آن مسئله رفع گردد. با نیروی باوراننده به عنوان نیروی اقناعی بایستی به نوعی رفتار کنیم که طرف مقابل راه‌گزینی نداشته باشد و متوجه معقول نبودن رفتار و گفتار و کردار خود شود و در این جا می‌توان انتظار داشت که به مسئله پذیرفته شده الزام داشته باشد. این اتفاق تنها با نیروهای اقناعی صورت خواهد گرفت و حق استفاده از نیروهای تشویقی را نداریم.

وی ادامه داد: اگر بتوانم همسر خود را با استفاده از استدلال به رعایت موردی خارج از مفاد قرارداد ملزم کنم، کار من اخلاقی بوده است ولی مادامی که همسر من مطابق مفاد قرارداد عمل کند، هرگونه مخالفتی با عقاید و کردار و خواسته من دارد، نمی‌توان گفت که او به من بی‌وفا شده است.

این اندیشمند حوزه اخلاق مطرح کرد: در خصوص پنج مورد قرارداد ازدواج که پیش‌تر ذکر شد، اولی ارادی نیست و چهار مورد دیگر ارادی هستند. عاشق شدن ارادی نیست و چیزی که می‌توان از طرف مقابل انتظار داشت، دو مورد است. نمی‌توان از همسر خود انتظار داشت که عاشق نشود، چرا که اختیاری نیست و قابل رعایت کردن نیست. اما می‌توان انتظار داشت که فرد حامداً زمینه‌های عاشق دیگری شدن را پدید نیاورد. اگر هم عاشق دیگری شد، عشق را در خود نگه دارد چرا که رفتار عاشقانه امری ارادی است اما عاشق شدن و عشق ارادی نیست.

وی ادامه داد: بنابراین کسی که مورد اول را انتظار داشته باشد، در حقیقت آب در هاون کوبیدن است اما می‌توانیم انتظار داشته باشیم که زمینه عاشق شدن را پدید نیاورد و رفتار عاشقانه - در صورت عاشق کس دیگر شدن - از خود نشان ندهد. بنابراین عاقلانه نیست که عاشق یکدیگر شدن را در قرارداد وارد کنیم و عاشق ماندن را نمی‌توان به عنوان ماده قرارداد تصور کرد.

تفاوت شخص و شیء

ملکیان گفت: نکته سوم اخلاق همسری، شخص تلقی کردن طرف مقابل است. نبایستی طرف مقابل را شیء تلقی کرد که تا حدی سبب می‌شود که برای طرف مقابل حریم خصوصی قائل نشویم. زمانی طرف مقابل را شخص حساب می‌کنیم که در مقام نظر، به عقلانیت او احترام گذاشته و در مقام عمل نیز به آزادی او احترام بگذاریم. اگر عقلانیت نظری و آزادی عمل را احترام کنیم، او را شخص حساب کرده‌ایم و نه شیء.

وی ادامه داد: عقلانیت نظری به این معناست که نبایستی یک عقیده را به طرف مقابل تحمیل کنیم و بایستی بپذیریم که برای انسان بودن لازم نیست همانند من عقیده و معرفت داشته باشد. احترام به آزادی عمل به این معناست که طرف مقابل آزاد است که چه کند؛ کجا حضور پیدا کند، با چه کسانی دوستی کند و قص علی هذا. تا زمانی که خلاف قرارداد عمل نکرده است، او آزاد است که هر چه می‌خواهد انجام دهد.

این اندیشمند حوزه اخلاق بیان کرد: کانت می‌گوید زمانی که آزادی عمل و عقلانیت نظری طرف مقابل را محترم نشمرم، او را شیء در نظر گرفته‌ام. اگر یکی از این دو مورد را رعایت نکنیم، طرف مقابل را شیء دانسته‌ایم. هر شیء در مقام ابزار است و هنگامی که از ابزار استفاده می‌کنیم، برای استفاده از ابزار اجازه‌ای اخذ نکرده‌ایم. می‌توانیم هر کاربردی برای ابزار بترسیم. شیء دانستن فرد چنین است که بدون اجازه گرفتن و کسب رضایت از او استفاده می‌کنیم.

وی ادامه داد: کانت معتقد بود اگر می‌خواهید فردی را شیء ندانید و کاری را به عهده او می‌گذارید، پیش از سپردن کار بایستی سه مورد را مشخص کنید. نخست این که عمل انجام شده مقدمه چه عمل دیگری است؟ دوم انجام عمل چه سودها و ضررهایی برای من خواهد داشت؟ و سوم آن که مجموع سود و زیان آن عاید چه کسی خواهد شد؟

ملکیان گفت: در ارتباط زناشویی نیز این مورد صادق است و واقعاً باید به عقلانیت و آزادی طرف مقابل احترام بگذاریم. احترام به عقلانیت و آزادی طرف مقابل ملزم به این است که اگر کاری با یکدیگر انجام می‌دهیم، بایستی برای طرف مقابل جزئیات آن روشن باشد.

وی تصریح کرد: شرط چهارم یک ارتباط اخلاقی نیز صراحت همراه با صداقت است. وقتی من و همسر من منافع مشترک داریم، همسر من بایستی به صداقت و صراحت من و قوف داشته باشد. در حقیقت صداقت و صراحت به این معنی است که آنچه می‌گوییم به آن اعتقاد داریم و سخن خود را در پرده ابهام نپوشانده‌ام.

